



## سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (1)

نویسنده: رنجبر، محسن

تاریخ: :: تاریخ در آینه پژوهش :: تابستان 1386 - شماره 14  
از 165 تا 196

آدرس ثابت: <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/745952>

دانلود شده توسط: سید مرتضی حسینی

تاریخ دانلود: 1393/07/05 11:47:00

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## سیری در مکتب‌نویسی و تاریخ نگاری عاشورا

از آغاز تا عصر حاضر\* (۱)

محسن رنجبر

پژوهشگر و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام



### چکیده

پژوهش حاضر در دو مقطع کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و نگاه‌هاست‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر می‌پردازد. مقطع نخست در دو بخش سامان یافته که در بخش اول آن به شناسایی و معرفی فهرست وار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم پرداخته و در بخش دوم، معرفی توصیفی آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، صورت گرفته است. اما مقطع دوم که درباره مقاتل و نگاه‌هاست‌های قرن هشتم تا چهاردهم است، نیز شامل دو بخش است. در بخش نخست، پس از بیان یک مقدمه، به شناسایی و معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر پرداخته و در بخش دوم، مهم‌ترین آثار قرن‌های معاصر که نقش به‌سزایی در تحریف و ارائه گزارش نادرست و جعلی و در برخی موارد، افسانه‌ای، درباره قیام عاشورا داشته‌اند، شناسایی و معرفی شده است.

\*. برای نگارش این بخش مقاله، از دست‌نوشته جناب آقای دکتر محمدرضا جباری استفاده شد.

این پژوهش به سبب گستردگی، در سه قسمت، ارائه می‌شود: قسمت اول و دوم آن مربوط به مقطع نخست (از آغاز تا قرن هفتم و شامل دو بخش) است که در این شماره و شماره بعدی به چاپ می‌رسد و قسمت سوم آن که مربوط به مقطع دوم است، انشاء الله در شماره ۱۶ زمستان سال ۱۳۸۶ به چاپ خواهد رسید.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، مقتل نگاری و قرن‌های نخستین.

### مقدمه

بی‌تردید واقعه عاشورا در میان حوادث قرن‌های نخستین پس از ظهور اسلام، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حادثه تلقی شده و از ابعاد گوناگون بیشترین اهمیت را در میان دیگر حوادث تاریخی به خود اختصاص داده است. عظمت و اهمیت خاص این رخداد تاریخی موجب شده که از همان روزهای نخستین پس از حادثه، کسانی نقش گزارش‌گر را ایفا کرده و تفصیل ماجرا را برای دیگران بازگویند. اینان همان شاهدان عینی حادثه بودند که به گونه‌ای در کربلا حضور داشته و از نزدیک شاهد رخدادها بودند. در میان این گروه، در یک سو، بازماندگان کاروان حسینی به عنوان موثق‌ترین گزارش‌گران این حادثه، و در رأس آنان امام سجاد علیه السلام، و در سوی دیگر، برخی از افراد سپاه دشمن بودند. بر این دو، باید روایات امامان معصوم شیعه علیهم السلام را نیز افزود که به مرور، هر چه از تاریخ حادثه دورتر می‌شدند، برای احیای یاد این رخداد، گوشه‌هایی از آن را باز می‌گفتند. مجموعه این روایات و گزارش‌ها، رفته رفته از شکل شفاهی خارج و صورت مکتوب به خود گرفت.

آن‌گاه که هنوز تاریخ و دیگر علوم اسلامی، از حدیث متمایز نشده بود و نوشته‌های حدیثی، مجموعه‌ای از احادیث مربوط به رشته‌ها و گرایش‌های مختلف را در برمی‌گرفت، جست‌وجوی روایات مربوط به ماجرای کربلا نیز در لابه‌لای آثار حدیثی ممکن بود؛ اما رفته رفته، همراه با تمایز موضوعی اخبار و روایات، آثاری با عنوان «مقتل الحسین علیه السلام» یا با عناوین مشابه، و مشتمل بر روایاتی که به گونه‌ای درصدد بیان مقدمات، اصل واقعه و حوادث و پیامدهای آن بودند، پدید آمد. از آن

زمان تاکنون، «مقتل نگاری» بخش مهمی از تاریخ نگاری اسلامی را به خود اختصاص داده و سیر تاریخی و فراز و فرودهای خاصی داشته و تحول و دگرگونی‌هایی را پشت سر گذاشته است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. این نوشتار در دو بخش کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و آثار مکتوب مربوط به تاریخ عاشورا می‌پردازد. در بخش نخست، ابتدا آثار یاد شده از آغاز تا قرن هفتم به صورت فهرست‌وار معرفی شده و سپس در ادامه، مقاتل و نگاه‌های به‌جای مانده مربوط به تاریخ عاشورا تا قرن یاد شده، معرفی، توصیف و نقد و بررسی شده است. اما در بخش دوم که آثار تاریخ عاشورا از قرن هشتم تا چهاردهم مورد بحث قرار گرفته است، ابتدا به توصیف و نقد و بررسی چند اثر مهم در این دوره پرداخته و در پایان چند اثر مهم قرن‌های اخیر که در تحریف گزارش این واقعه، نقش به‌سزایی داشته و باید آن‌ها را به عنوان «منابع تحریف گستر» شناخت، معرفی شده است.

پیش از پرداختن به بحث اصلی، تذکر دو نکته ضروری است: یکی آن که دایره بحث این نوشتار، منابع و آثاری است که درباره تاریخ عاشورا و شرح شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش نگاه‌شده است، اعم از آن که به نام مقتل باشد یا به نام دیگری. هم‌چنین محور این بررسی، منابعی است که در حد قابل اعتنا و چشم‌گیر، به تاریخ عاشورا پرداخته و نسبتاً از قدمت تاریخی برخوردارند، اعم از کتاب‌های تاریخ ائمه علیهم السلام، تاریخ عمومی، منابع مربوط به تراجم و شرح حال نگاری‌ها و...

دوم، آن که در این بررسی، همه آثار مربوط به تاریخ عاشورا تا قرن هفتم که ویژگی‌های یاد شده را داشته، شناسایی و معرفی شده، زیرا تا این قرن، آثاری نگاه‌شده است که برخی از گزارش‌های آن‌ها برگرفته از آثار مقتل نویسان کهن است که اکنون اثری از نگاه‌شده‌های آنان نیست. اما از قرن هشتم به بعد، چنین رویکردی وجود ندارد. به تعبیر دیگر، تا قرن هفتم برخی از مقاتل و نگاه‌شده‌های کهن، مانند مقاتل هشام کلبی، ابن ابی‌الدنیا، ابو عبید قاسم بن سلام هروری، ابو عبیده معمر بن مثنیٰ و... نزد مقتل نویسان و مورخان تاریخ عاشورا بوده است و از گزارش‌های آن‌ها در آثار خود بهره برده‌اند که اگر این نگاه‌شده‌ها نادیده گرفته شود، در واقع،

بخشی از گزارش‌های نگاهشده‌های کهن تاریخ عاشورا که اکنون اصل آن‌ها باقی نمانده، نادیده گرفته شده است. اما گزارش‌های نگاهشده‌های قرن هشتم به بعد یا همان گزارش‌های مقاتل کهن به جای مانده و متأخر است که طبیعتاً اعتبار آن‌ها بسته به اعتبار مآخذ آن‌هاست یا گزارش‌های آن‌ها جعلی و افسانه‌ای است که اعتبار نداشته و قابل استشهاد نیست. پیش از پرداختن به این مقطع، تعریف لغوی و اصطلاحی مقتل ارائه می‌شود.

### مقتل در لغت و اصطلاح

«مقتل» بر وزن مَفْعَل، اسم مکان از ریشه «قتل»، به معنای قتل‌گاه و کشتن‌گاه است.<sup>۱</sup> اما در اصطلاح تاریخ‌نگاری، مراد از «مقتل الحسین (علیه السلام)»، نوعی تک‌نگاری تاریخی است که در آن به شرح جریان شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش و در یک کلام، به واقعه کربلا (از آغاز تا پایان) پرداخته شده است. البته این که بر بسیاری از آثار یاد شده عنوان مقتل اطلاق شده به این علت است که مقتل نویسان و مورخان تاریخ عاشورا، اخبار مربوط به واقعه عاشورا و کیفیت نبرد و شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش را در یک جا جمع کرده و آن آثار، محل گردآوری آن اخبار شده است. بنا بر این، تعبیر «مقتل الحسین (علیه السلام)» به معنای مکان اخبار گردآوری شده درباره واقعه عاشورا و به ویژه شهادت امام حسین (علیه السلام) است.

### سیر تاریخی مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا در جهان اسلام

چنان که گذشت، در یک بررسی کلی، روند تاریخی مقتل‌نویسی و نگاهشده‌های تاریخ عاشورا را می‌توان به دو دوره و مقطع کلی تقسیم کرد:

#### مقطع نخست: قرن دوم تا قرن هفتم

بخش اول: شناسایی و معرفی اجمالی مقاتل و نگاهشده‌های مربوط به عاشورا

در این دوره، نگاهشده‌های مربوط به عاشورا از نظر کمیت، ابتدا سیر صعودی و سپس سیر نزولی داشته است. اوج این نگاهشده‌ها در این مقطع، در قرن‌های سوم و

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، واژه «مقتل».

چهارم بوده و پس از قرن چهارم، رو به کاهش گذاشته است. از مقتل نویسان و تاریخ نگاران عاشورا در این دوره به ترتیب قرن که آثار آن‌ها چاپ شده یا برخی از نسخه های خطی آن‌ها در برخی از کتابخانه های جهان موجود می باشد و یا اساساً از آن‌ها اثری نمانده و تنها نام یا برخی از گزارش های آن را در برخی از نگاشته های بعدی می توان یافت، به آثار ذیل می توان اشاره کرد:

### الف) آثار قرن دوم

۱. مقتل الحسين علیه السلام؛ جابر بن یزید جعفی. وی از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود که در سال ۱۲۸ درگذشت.<sup>۱</sup>
۲. تسمیة من قتل مع الحسين علیه السلام من ولده و إخوته و أهل بینه و شیعتہ؛ فضیل بن زبیر اسدی رسان کوفی (از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام)
۳. مقتل الحسين علیه السلام؛ قاسم بن اصیغ بن نباته مجاشعی؛  
مشهور آن است که کهن ترین مقتل مکتوب از اصیغ بن نباته است، چنان که شیخ طوسی کتاب مقتل الحسين بن علی علیه السلام را از آثار اصیغ بن نباته دانسته است.<sup>۲</sup>  
هرچند بنا بر خبری که شیخ صدوق نقل کرده است، اصیغ بن نباته، شهادت امام حسین علیه السلام را درک کرده،<sup>۳</sup> اما در اخبار و گزارش های تاریخی، هیچ گونه خبری درباره واقعه عاشورا از او نقل نشده است، بلکه راوی برخی از گزارش ها در این باره، فرزند وی قاسم بن اصیغ است، از این رو آنچه صحیح به نظر می رسد آن است که قاسم فرزند اصیغ که راوی برخی از اخبار واقعه عاشورا است، مقتلی

۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹، شماره ۳۳۲.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۸۵-۸۶، شماره ۱۱۹.

۳. شیخ صدوق در جریان آویختن سر یکی از شهدای کربلا توسط یکی از سپاهیان عمر سعد، از قول قاسم بن اصیغ این گونه بیان کرده است: «من به پدرم گفتم: نای کاش این مرد حامل سر، اندکی سر را بالاتر آویزان می کرد، مگر نمی بینی که دستان اسب با سر چه می کند؟...». این گفته قاسم حاکی از آن است که اصیغ در زمان حادثه کربلا، زنده بوده است (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۱۹).

داشته است، چنان که طبری،<sup>۱</sup> ابوالفرج اصفهانی،<sup>۲</sup> شیخ صدوق<sup>۳</sup> و سبط بن جوزی<sup>۴</sup> اخباری را به یک یا چند واسطه از او نقل کرده اند.

۴. امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و گزارش مقتل حضرت سیدالشهدا علیه السلام

به جز روایات کوتاه درباره حادثه کربلا که از امامان شیعه علیهم السلام در مجامع حدیثی نقل شده است، گاه به روایاتی طولانی بر می خوریم که در نوع خود می تواند یک مقتل قلمداد شود، از جمله حدیث طولانی شیخ صدوق که در امالی خود به صورت مسند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. این حدیث، بخش های مختلف حادثه کربلا را از بدو شکل گیری آن در مدینه پس از مرگ معاویه و تلاش والی مدینه جهت اخذ بیعت برای یزید، تا شهادت حضرت و سپس گوشه ای از جریان اسارت اهل بیت علیهم السلام و مجلس ابن زیاد، در بر دارد.<sup>۵</sup> هم چنین می توان روایت عمار دُهنی از امام باقر علیه السلام را درباره سیر قیام امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان و جریان اسارت اهلبیت علیهم السلام در شام و بازگشت آنان به مدینه و نیز جریان قیام مسلم در کوفه، از این دست روایات شمرد.<sup>۶</sup>

۵. مقتل الحسين علیه السلام؛ عمار بن ابی معاویه بجلی دُهنی، مشهور به عمار دُهنی (م ۱۳۳ ق)؛

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۳۴۳: «قال هشام عن ابیه محمد بن السائب عن القاسم بن الاصبغ بن نباته قال...». ابن حمزه طوسی نیز این خبر را با حذف اسناد، مستقیماً از قاسم بن اصبح نقل کرده است (الثاقب فی المناقب، ص ۳۴۱).

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۷۸: «قال المدائنی ابوغسان، عن هارون بن سعد عن القاسم بن الاصبغ بن نباته قال...».

۳. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۴. سبط بن جوزی، تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، ج ۲، ص ۲۵۲ - ۲۵۳: «حکى هشام بن محمد عن القاسم بن الاصبغ المجاشعی، قال...».

۵. ر.ک: شیخ صدوق، الامالی، مجلس ۳۰-۳۱ و ۲۱۵-۲۳۲. البته چون برخی از مطالب این خبر با گزارش های کهن و معتبر تاریخی، ناسازگار است، چندان نمی توان به آن اعتماد و اعتنا کرد.

۶. طبری، همان، ج ۴، ص ۲۵۷-۲۶۰ و ۲۹۲-۲۹۴؛ جمال الدین یوسف مرّی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۶، ص ۴۲۲ - ۴۳۰؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۶ - ۳۱۰ و ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ص ۲، ص ۶۹ - ۷۱.

اگرچه هیچ یک از مورخان و رجال شناسان متقدم، نگاشته‌ای برای عمار دهنی به نام مقتل الحسین علیه السلام یا رساله‌ای درباره واقعه عاشورا ثبت نکرده اند، اما - چنان که اشاره شد - با توجه به آن که طبری چند صفحه از تاریخ خود را به خبری نسبتاً طولانی از عمار دهنی درباره واقعه عاشورا از آغاز تا پایان، اختصاص داده است، و هم‌چنین از آن‌جا که برخی از اخبار وی در این باره در برخی منابع دیگر آمده است،<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که وی نیز در این باره نگاشته مستقلی - هر چند مختصر همانند بسیاری از نگاشته‌های دیگر متقدمان - داشته است، چنان که برخی از محققان معاصر نیز چنین مقتلی را به او نسبت داده‌اند.<sup>۲</sup>

۶. مقتل الحسین علیه السلام؛ ابومخنف لوط بن یحیی ازدی<sup>۳</sup> (م ۱۵۷ق).

### ب) آثار قرن سوم

قرن سوم را به لحاظ تعداد مقاتل و نگاشته‌های مربوط به واقعه کربلا می‌توان اوج دوره مقتل نگاری و نگاشته‌های عاشورایی به حساب آورد. البته نگارش مقتل نیز هم چون دیگر شاخه‌های علوم، تحت تأثیر فضای پدید آمده در این قرن برای نگارش آثار مختلف، از جمله مجامع حدیثی بود. در این قرن تلاش‌های ارزنده‌ای در مقتل نگاری، هم از سوی شیعیان و هم توسط سنیان صورت گرفت که بعضاً دست مایه آثار بعدی قرار گرفت که در این میان، بخش بسیار اندکی به دست ما رسیده و غالب آن‌ها از بین رفته‌اند.

از میان محدثان و مورخان شیعی و سنی در این قرن که در منابع فهرست‌نگار و رجالی متقدم، کتابی با عنوان مقتل الحسین علیه السلام یا نزدیک به آن، به آنان نسبت داده شده، می‌توان از این افراد نام برد:

۱. محمد بن سعد، ترجمة الحسین و مقتله، ص ۳۸ و ۴۹ و ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

۲. محمد باقر محمودی، عبرات المصطفین، ج ۱، ص ۶.

۳. ابن ندیم، کتاب الفهرست، ص ۱۰۵ و شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۰۴، ش ۲۰۴.



۱. مقتل الحسين عليه السلام؛ هشام بن محمد کلبی<sup>۱</sup> (م ۲۰۴ یا ۲۰۶ق)؛
۲. مقتل الحسين عليه السلام؛ محمد بن عمر واقدی<sup>۲</sup> (م ۲۰۷ق)؛
۳. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابو عبیده مَعْمَر بن مُنَنَّى<sup>۳</sup> (م ۲۰۹ق)؛  
سید ابن طاووس در یک جا - بنا بر آن چه در یکی از نسخه های ملهوف آمده است -  
گزارشی از این مقتل نقل کرده است.<sup>۴</sup>
۴. مقتل الحسين عليه السلام؛ نصر بن مزاحم منقری<sup>۵</sup> (م ۲۱۲ق)؛
۵. مقتل الحسين عليه السلام ابو عبید قاسم بن سلام هروی<sup>۶</sup> (م ۲۲۳ یا ۲۲۴ق)؛  
چنان که خواهیم گفت، ابن عبد ربه<sup>۷</sup> و محمد بن احمد بن تمیم<sup>۸</sup> بخشی از  
گزارش های مقتل وی را آورده اند.
۶. مقتل الحسين بن علی عليه السلام<sup>۹</sup> یا السیرة فی مقتل الحسين عليه السلام؛<sup>۱۰</sup> ابو الحسن علی بن  
محمد مدائنی بغدادی (م ۲۲۴ یا ۲۲۵ق)؛

۱. نجاشی، همان، ص ۴۳۴-۴۳۵، شماره ۱۱۶۶.
۲. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۱. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
۳. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۸؛ سید عبدالعزیز طباطبایی، اهل  
البيت فی المكتبة العربیه، ص ۵۳۳. در سال وفات او اختلاف است و سال های ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۳ق و غیره  
نیز گفته شده است (ابن ندیم، همان، ص ۵۹ و خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۵۷).
۴. سید بن طاووس، الملّهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۷. این گزارش درباره ورود عمر سعد (؟) به مکه  
در روز ترویج جهت کشتن امام عليه السلام و یا جنگ با وی به دستور یزید است. البته به نظر می رسد آن کسی که  
وارد مکه شده، عمرو بن سعید بن اشّدق (نه عمر سعد) حاکم مکه و مدینه بوده است، چرا که طبق گزارش  
ظیری، یزید در سال ۴۰ق امارت مکه را افزون بر مدینه، به عمرو بن سعید واگذار کرد (ظیری، همان، ج ۴، ص ۳۰۱).
۵. ابن ندیم، همان، ص ۱۰۶ و شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۸.
۶. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۰۶؛ سید عبدالعزیز طباطبایی، همان، ص ۵۳۵ به نقل از  
سمعانی، التحبیر، ج ۱، ص ۱۸۵.
۷. ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۳ - ۳۵۲: «علی بن عبدالعزیز قال: قرأ علی ابو عبید القاسم بن  
سلام و انا اسمع...» و نیز ر.ک: همان، ص ۳۶۰.
۸. محمد بن احمد تمیمی، کتاب المحزن، ص ۱۴۲ - ۱۴۷.
۹. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۹، ش ۴۰۵.
۱۰. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۰۷، ش ۴۸۶.

ابوالفرج اصفهانی،<sup>۱</sup> سبط ابن جوزی<sup>۲</sup> و جمال الدین یوسف مزّی<sup>۳</sup> از مقتل او نقل کرده‌اند.

۷. ترجمه‌ی الحسنین علیهم‌السلام و مقتله من الطبقات الكبرى؛ محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)؛

۸. کتاب المقتل؛ احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)؛

ابن شهر آشوب گزارشی را از این مقتل، نقل کرده است.<sup>۴</sup>

۹. مقتل الحسنین علیهم‌السلام، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی<sup>۵</sup> (م ۲۶۹ ق)؛

۱۰. کتاب المقتل؛ عبدالله بن عمرو وراق (م ۲۷۴ ق)؛<sup>۶</sup>

سبط ابن جوزی در یک جا خبری را از این مقتل، نقل کرده است.<sup>۷</sup>

۱۱. مقتل الحسنین بن علی علیهم‌السلام؛ ابن قتیبه دینوری<sup>۸</sup> (م ۲۷۶ ق)؛

وی هم‌چنین حدود هشت صفحه از کتاب الامامه و السیاسة را (که منسوب به

اوست) به گزارش قیام امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده است که گزارش‌های وی با

گزارش‌های ابن عبد ربه در العقد الفرید در این باره، شباهت بسیاری دارد.<sup>۹</sup>

۱۲. ترجمه و مقتل امام حسین علیه‌السلام (جلد سوم از مجموعه سیزده جلدی از انساب

الاشراف)؛ احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۹ ق).

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۱، ۵۶-۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۷۲، ۷۶ و ۷۸-۷۹.

۲. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص من الامة بذکرخصائص الائمة علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۷۹، ۱۸۷ و ۲۲۵.

۳. یوسف مزّی، تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۰۷ و ۴۳۲.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۵.

۵. نجاشی، همان، ص ۱۹، ش ۲۱ و شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۹، ش ۹؛ ابن شهر آشوب، معالم

العلماء، ص ۴۳، ش ۲۷.

۶. سمعانی، از او به ابو محمد عبدالله بن ابی سعد یاد کرده و گفته است مقصود از او، عبدالله بن عمرو

عبدالرحمان بن بشر بن هلال انصاری وراق بلخی اخباری است که متولد سال ۱۹۷ و متوفای ۲۷۴ ق است

(الانساب، ج ۱، ص ۹۴ - ۹۵).

۷. پیشین، ج ۲، ص ۱۹۱.

۸. این کتاب برگرفته از کتاب عیون الاخبار ابن قتیبه است که نسخه مخطوط آن در ۹۲ برگ در کتابخانه

جامع کبیر در صنعا به شماره ۲۲۰۰ نگه‌داری می‌شود (عبدالجبار رفاعی، معجم ما کتب عن الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و

اهل البيت علیهم‌السلام، ج ۸، ص ۷۲).

۹. سطر دوم صفحه ۵-۱۲ از الامامه و السیاسة مقایسه شود با العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۲-۳۵۶.

۱۳. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابوبکر عبدالله بن محمد بن عبید بن سفیان بن قیس قرشی اموی معروف به ابن ابی الدنيا<sup>۱</sup> (م ۲۸۱ق)؛
- عبدالرحمان بن جوزی (م ۵۹۷ق)<sup>۲</sup> و ابن عساکر<sup>۳</sup> از گزارش های وی بهره برده اند. هم چنین این مقتل نزد سبط بن جوزی (قرن هفتم) بوده و او در چند جا از کتاب خود، اخباری را از آن نقل کرده است.<sup>۴</sup>
۱۴. گزارش قیام کربلا در الأخبار الطوال؛ ابوحنیفه دینوری (م ۲۸۲ق)؛
۱۵. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوفی صاحب کتاب الغارات<sup>۵</sup> (م ۲۸۳ق)؛
۱۶. مقتل الحسين عليه السلام؛ حسن بن سهل مجوز بصری<sup>۶</sup> (م ۲۹۰ق)؛
۱۷. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابو عبدالله محمد بن زکریا غلابی بصری بغدادی<sup>۸</sup> (م ۲۹۸ق)؛
- ابن عساکر از وی درباره قبر امام حسین عليه السلام خبری را نقل کرده است.<sup>۹</sup>

### ج) آثار قرن چهارم

۱. مقتل الحسين عليه السلام؛ محمد بن سلیمان کوفی<sup>۱۰</sup> (زنده تا سال ۳۰۰ق)؛

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۷۰، ش ۴۴۹ و ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱۱، ش ۵۰۶.
۲. عبدالرحمان بن جوزی، کتاب الرد علی المتعصب العنید، ص ۳۵، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ - ۵۱.
۳. ابن عساکر، ترجمة ریحانة رسول الله الامام الحسين عليه السلام (من تاریخ مدینه دمشق)، ص ۳۴۶، ۳۷۵، ۳۸۷، ۳۹۹ و ۴۱۲، ۴۳۶.
۴. سبط بن جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۷، ۱۹۹.
۵. نجاشی، همان، ص ۱۷، ش ۱۹؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۷، ش ۷ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص ۳۹.
۶. ابن ماکولا، الإكمال، ج ۷، ص ۲۱۶.
۷. ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۹ و همو، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۵۳۴.
۸. ابن ندیم، همان، ص ۱۲۱ و نجاشی، همان، ص ۳۴۶-۳۴۷، ش ۹۳۶.
۹. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۴۵.
۱۰. ابن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام، مقدمه، ص ۱۲.

۲. مقتل الحسين عليه السلام <sup>۱</sup> یا مولد الحسين بن علي عليه السلام و مقتله <sup>۲</sup>؛ ابوالفضل سلمة بن خطاب براوستانی ازدورقانی (م ۳۰۱ق)؛
۳. گزارش قیام عاشورا در کتاب تاریخ الأمم و الملوک؛ محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)؛
۴. گزارش واقعه عاشورا در کتاب الفتوح؛ احمد محمد بن علی بن اعثم کوفی (م ۳۱۴ق)؛
۵. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابوالقاسم عبدالله بن محمد بغوی <sup>۳</sup> (م ۳۱۷ق)؛
- ابن عساکر برخی از اخبار وی را درباره امام حسین عليه السلام نقل کرده است. <sup>۴</sup>
۶. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابو جعفر محمد بن یحیی عطار قمی <sup>۵</sup> (م ۳۲۸ق)؛
۷. قیام عاشورا در کتاب العقد الفرید؛ احمد ابن محمد بن عبد ربه اندلسی (م ۳۲۸ق)؛
۸. مقتل الحسين عليه السلام و ذکر الحسين عليه السلام؛ ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد عیسی جلودی از دی بصری <sup>۶</sup> (م ۳۳۲ق)؛
۹. قیام عاشورا در کتاب المحن؛ ابوالعرب محمد بن احمد بن تمیم تمیمی (م ۳۳۳ق)؛
۱۰. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابوالحسین عمر بن حسن شیبانی قاضی معروف به ابن اشنانی بغدادی <sup>۷</sup> (م ۳۳۹ق)؛
۱۱. گزارش قیام کربلا در مروج الذهب و معادن الجواهر؛ ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ق)؛
۱۲. گزارش واقعه کربلا در کتاب البدء و التاریخ؛ مطهر بن طاهر مقدسی (متوفای پس از ۳۵۵ق)؛
۱۳. گزارش قیام عاشورا در مقاتل الطالبیین؛ ابوالفرج اصفهانی <sup>۸</sup> (م ۳۵۶ق)؛

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۴۰، ش ۳۳۴ و ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۹۲، ش ۳۷۸.
۲. نجاشی، همان، ص ۱۸۷، ش ۴۹۸.
۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۱۷۹۴.
۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۱۵، ۱۴۹، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۹۹، ۲۲۱ و ۲۲۸-۲۲۹.
۵. نجاشی، همان، ص ۳۵۳، ش ۹۴۶.
۶. همان، ص ۲۴۲، ش ۶۴۰ و علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۵.
۷. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۸۰.
۸. بخش مربوط به شهادت امام حسین عليه السلام و بنی هاشم در کربلا از این کتاب، با تحقیق سید مصطفی مرتضی قزوینی چاپ شده است (عبدالجبار رفاعی، همان، ج ۸، ص ۷۴).

۱۴. مقتل الحسين عليه السلام؛ سليمان بن احمد حافظ طبرانی (م ۳۶۰ ق)؛

طبرانی از محدثان بزرگ قرن چهارم است که دو اثر بزرگ روایی المعجم الكبير و المعجم الاوسط از اوست. ابن منده (م ۴۷۵ ق) در شرح حال طبرانی از کتابی به نام مقتل الحسين عليه السلام یاد کرده است.<sup>۱</sup> این کتاب در بستر زمان، از بین رفته و اثری از آن، موجود نیست، اما آن چه وجود دارد و منتشر شده است، متن استخراج شده از جلد سوم کتاب المعجم الكبير طبرانی است<sup>۲</sup> که ابتدا با تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی ضمن کتابی با عنوان الحسين عليه السلام و السنه چاپ شده است. این کتاب ۱۴۸ روایت دارد که هریک به بخشی از زندگی، فضایل امام حسین عليه السلام و حادثه کربلا و حوادث خارق العاده پس از شهادت حضرت، پرداخته است. هم چنین محمد شجاع ضیف الله این بخش را تحقیق و به صورت جدا، با عنوان مقتل الحسين بن علی بن ابی طالب عليه السلام چاپ کرده است. امتیاز تحقیق محمد شجاع در مقایسه با کار طباطبایی، آن است که وی سی روایت مربوط به امام حسین عليه السلام را افزوده است. طبعاً نمی توان به متن استخراج شده، مقتل به معنای معمول و مصطلح، اطلاق کرد، اما چون گزارش های یاد شده از قدمت خاصی برخوردار بوده و طبرانی آن ها را به صورت مسند نقل کرده، شایان توجه، مطالعه و بررسی است.

۱۵. مقتل الحسين عليه السلام؛ شیخ صدوق<sup>۳</sup> (م ۳۸۱ ق)؛

با توجه به غلبه جریان حدیث گرا در میان محدثان قم، مقتل شیخ صدوق نیز هم چون دیگر آثار او، اثری حدیثی بوده و اکثر قریب به اتفاق احادیث آن از معصومان عليه السلام، به ویژه امام سجاد عليه السلام، امام صادق عليه السلام و امام رضا عليه السلام و به صورت مسند نقل شده است. البته با توجه به حساسیت محدثان حوزه قم در دو قرن

۱. ابو عبدالله بن منده اصفهانی، جزء ترجمه الطبرانی، ص ۲۰، شماره ۳۹.

۲. از صفحه ۹۴ - ۱۳۶، شماره ۲۷۶۶ - ۲۹۱۳.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۳۷؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۴۷، ش ۷۶۴. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه (ج ۲، ص ۵۹۸) با این عبارت، از وجود چنین مقتلی خبر داده است: «وقد اخرجت فی کتاب الزیارات و فی کتاب مقتل الحسين عليه السلام انواعاً من الزیارات...». هم چنین او در کتاب الخصال (ص ۶۸، ذیل حدیث شماره ۱۰۱) از این مقتل یاد کرده است.

- سوم و چهارم مبنی بر پرهیز از نقل احادیث ضعیف، و نیز برخورد ایشان با محدثانی که ناقل احادیث ضعیف بودند، این مقتل می‌بایست در مقایسه با دیگر مقاتل، احادیث و روایات ضعیف کمتری داشته باشد.<sup>۱</sup> این مقتل تا قرن ششم موجود بوده و ابن شهر آشوب از آن نقل کرده است.<sup>۲</sup>
۱۶. مقتل الحسين علیه السلام؛ محمد بن علی بن فضل بن تمام بن شهریار اصغر ملقب به سکین<sup>۳</sup> (زنده در ۳۸۱ق)؛
۱۷. مقتل الحسين علیه السلام؛ ابوجعفر محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی<sup>۴</sup> (قرن چهارم هجری)؛
۱۸. کتاب المقتل؛ محمد بن ابراهیم بن یوسف احمد بن یوسف کاتب شافعی (متولد ۲۸۱ق، متوفای قرن چهارم)؛<sup>۵</sup>
۱۹. قیام سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام و خون خواهی مختار به روایت طبری و انشای ابوعلی محمد بن محمد بلعمی (قرن چهارم هجری)؛<sup>۶</sup>
۲۰. مقتل الحسين علیه السلام؛ از نویسنده‌ای مجهول.<sup>۷</sup>
- 
۱. ر.ک: مقتل الحسين علیه السلام به روایت شیخ صدوق (امام حسین علیه السلام و عاشورا از زبان معصومان علیهم السلام)؛ تحقیق و ترجمه محمد صحتی سردرودی، ص ۲۵؛ محقق یاد شده، باگرد آوری بیش از دوست حدیث و گزارش از اخبار مربوط به واقعه عاشورا از لابه‌لای آثار حدیثی به جای مانده از شیخ صدوق و اندکی نیز از میان آثار کسانی که از شیخ صدوق حدیث نقل کرده اند، و تدوین، تبویب و ترجمه آن‌ها، به بازسازی و احیای این مقتل پرداخته است.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۴ و ۹۵.
۳. نجاشی، همان، ص ۳۸۵، ش ۱۰۴۶.
۴. همان، ص ۳۴۹، ش ۹۳۹. ابن ندیم از آثار او کتابی با عنوان ما نزل من القرآن فی الحسين بن علی علیه السلام نام برده است که احتمالاً غیر از مقتل الحسين علیه السلام باشد (همان، ص ۲۷۷).
۵. نجاشی، همان، ص ۳۷۲، ش ۱۰۱۵؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۰۸-۲۰۹، ش ۶۰۰. اگرچه عنوان کتاب المقتل، عنوان عامی است، اما با توجه به آن‌که این عنوان بیشتر بر مقتل امام حسین علیه السلام اطلاق شده است، به گمان قوی، مقصود از عنوان یاد شده، مقتل امام حسین علیه السلام باشد.
۶. برگرفته از بلعمی، تاریخ نامه طبری.
۷. نسخه مخطوط این اثر در دارالکتب قاهره به شماره ۱۲۴۵ نگه داری می‌شود (طباطبایی، همان، ص ۵۴۸، ش ۷۰۸).

#### د) آثار قرن پنجم

۱. مقتل الحسين؛ ابو عبدالله حاکم نیشابوری<sup>۱</sup> (م ۴۰۵ ق)؛
۲. تاریخ و قیام امام حسین در کتاب الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)؛
۳. بخش تاریخ عاشورا از کتاب تجارب الامم و تعاقب الهمم؛ ابو علی مسکویه رازی (م ۴۲۱ ق)؛
۴. مقتل الحسين بن علی علیه السلام؛ ابوزید عماره بن زید خیوانی همدانی<sup>۲</sup> (متوفای پیش از ۴۵۰ ق)؛
۵. مقتل الحسين علیه السلام؛ شیخ طوسی<sup>۳</sup> (م ۴۵۸ یا ۴۶۰ ق)؛
۶. مقتل الحسين علیه السلام؛ ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری (قرن پنجم)<sup>۴</sup>.

#### ه) آثار قرن ششم

۱. مقتل الحسين علیه السلام؛ ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۶۸ ق)؛
  ۲. مقتل نورالائمة علیها السلام (فارسی)؛ ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۶۸ ق)؛
- کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) در کتابش روضة الشهداء در جریان گزارش قیام عاشورا، بارها از کتابی به نام نورالائمة که نویسنده اش خوارزمی است، یاد کرده و از آن مطالبی نقل کرده است.<sup>۵</sup> پرسشی که در این باره مطرح است آن است که آیا کتاب یاد شده، همان ترجمه مقتل خوارزمی است یا خوارزمی مقتل دیگری برای پارسی زبانان نوشته است؟

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۷.
۲. نجاشی، همان، ص ۳۰۳، ش ۸۲۷.
۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۴۲، ش ۷۱۴؛ بن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۵۰، ش ۷۶۶. وی از مقتل الحسين علیه السلام شیخ طوسی با عنوان مختصر فی مقتل الحسين علیه السلام یاد کرده است.
۴. طباطبائی، اهل البيت علیهم السلام فی المكتبة العربیه، ص ۵۴۸؛ عبد الجبار رفاعی، معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت علیهم السلام، ج ۸، ص ۷۴.
۵. برای نمونه: کاشفی، روضة الشهداء، ص ۲۶۰، ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۶۰، ۳۷۱، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۴۰ و ۴۷۳.

با بررسی و مقایسهٔ اجمالی که صورت گرفت، پاسخ این پرسش را نمی‌توان به آسانی و روشنی داد، زیرا برخی از نقل‌های کاشفی از کتاب یاد شده، تا حدودی به مطالب مقتل وی شباهت دارد،<sup>۱</sup> اما برخی مطالب نقل شدهٔ دیگر یا اصلاً در مقتل خوارزمی یافت نشد<sup>۲</sup> و یا هیچ شباهتی با متن عربی اشعار و رجزهای مقتل ندارد، مانند ترجمهٔ فارسی اشعار و رجزها.<sup>۳</sup>

۳. مقتل الحسين عليه السلام؛ سید نجم الدین محمد بن امیرکا بن ابی‌الفضل جعفری قوسینی<sup>۴</sup> (متوفای پیش از ۵۸۵ ق)؛

۴. گزارش زندگی، مناقب و فضایل امام حسین عليه السلام و قیام عاشورا در کتاب مناقب آل ابی‌طالب عليه السلام؛ ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)؛

۵. ترجمهٔ ریحانة رسول الله الامام الحسين عليه السلام از تاریخ مدینه دمشق؛ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، مشهور به ابن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ ق)؛

۶. مقتل الحسين عليه السلام؛ ابوالقاسم مجیرالدین محمود بن مبارک بن علی بن مبارک واسطی بغدادی<sup>۵</sup> (م ۵۹۲ ق)؛

۷. قیام امام حسین عليه السلام برگزیده از کتاب الفتح ابن اعثم، ترجمهٔ محمد بن احمد مستوفی هروی<sup>۶</sup> (ترجمه شده در سال ۵۹۶ ق)؛

۸. مقتل الشهداء (فارسی)؛ ابوالمفاخر رازی؛<sup>۷</sup>

۱. برای نمونه صفحات ۲۰۵، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۵، ۳۶۴، ۳۸۱ و ۳۹۱ از کتاب روضة الشهداء به ترتیب مقایسه شود با صفحات ۲۸۳، ۳۳۵، ۳۵۰ (از جلد اول) و ۱۱-۱۴، ۱۷، ۴۶-۴۷، ۶۴-۶۵ و ۸۲-۸۳ (از جلد دوم) مقتل خوارزمی.

۲. ر.ک: کاشفی، همان، ج ۱، ص ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۹۷ و ۳۵۳.

۳. مقایسه شود صفحات ۲۹۹، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۳۷، ۳۴۴ و ۳۴۶ از روضة الشهداء به ترتیب با صفحهٔ ۳۳۸ (جلد اول) و صفحات ۳۱، ۳۵، ۳۷ و ۳۸ (جلد دوم) مقتل خوارزمی.

۴. منتجب الدین علی بن بابویه رازی، الفهرست، ص ۱۱۹، ش ۴۵۷.

۵. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیة العارفين، ج ۲، ص ۴۰۴ و همو، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۵۴۰ و سید عبدالعزیز طباطبایی، همان، ص ۵۴۶، ش ۷۰۴. البته طباطبایی، نام او را مجیر الدین ثبت کرده است، اما اسماعیل پاشا، محرر نوشته است.

۶. تصحیح غلام رضا مجد طباطبایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ۱۰۹ صفحه.

۷. شیخ آقا بزرگ، الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۲.



ابوالمفاخر رازی از شعرای پارسی گوی قرن ششم است که مهم ترین اثر او، مقتل الشهداء بوده است. به نظر می رسد رازی گزارش شرح واقعه کربلا را بیشتر در قالب شعر آورده است. وی با ترجمه رجزهای اصحاب امام حسین علیه السلام به فارسی سهم عمده ای در مقتل نویسی به زبان فارسی داشته است.<sup>۱</sup> این نگاشته در اختیار کاشفی، نویسنده روضه الشهداء بوده و بسیاری از اشعار<sup>۲</sup> و در مواردی متن منثور آن را آورده است.<sup>۳</sup>

### و) آثار قرن هفتم

۱. گزارش قیام عاشورا در الکامل فی التاریخ؛ عزالدین ابوالحسن علی بن ابی کرم، مشهور به ابن اثیر؛
۲. مشیر الأحران؛ نجم الدین محمد بن جعفر، مشهور به ابن نما حلّی (م ۶۴۵ق)؛
۳. قیام عاشورا در کتاب الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه؛ حمید بن احمد بن محمد مُحلّی (م ۶۵۲ق)؛
۴. دُرر السَّمط فی خبر السَّبَط؛ نگاشته محمد بن عبدالله بن ابی بکر قضاعی، معروف به ابن اَبار بلنسی (م ۶۵۸ق)؛
۵. مقتل الحسین علیه السلام؛ عزالدین ابومحمد عبد الرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف جزری، مشهور به رسعنی<sup>۴</sup> (م ۶۶۱ق)؛
۶. باب مربوط به امام حسین علیه السلام از تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة علیهم السلام؛ سبط بن جوزی (م ۶۵۴ق)؛

۱. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفویان، ص ۶۰۵.

۲. کاشفی، همان، ص ۲۶۱، ۳۳۰، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۸۰ - ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۲، ۳۹۴-۳۹۵، ۴۰۲، ۴۱۱، ۴۲۱ و ۴۲۷.

۳. همان، ص ۴۵۵، ۴۷۴ و ۴۹۱.

۴. شمس الدین محمد ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۵۲. اما به گفته طباطبایی، ابن رجب حنبلی ذیل کتاب طبقات الحنابلة (ج ۲، ص ۲۷۵) و عمر رضا کحاله در معجم المؤلفین (ج ۵، ص ۲۱۸) نام کتاب او را مصرع الحسین علیه السلام نگاشته اند (اهل البيت علیهم السلام فی المكتبة العربیه، ص ۵۴۸، ش ۷۰۵).

۷. ترجمه الامام الحسين عليه السلام از کتاب بغية الطلب في تاريخ حلب؛ احمد بن ابي جراده حلبی، مشهور به ابن عدیم (م ۶۶۰ ق)؛
۸. الملهوف علی قتلی الطفوف؛ سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۶۴ ق)؛
۹. زندگی، مناقب و گزارش حادثه عاشورا بر اساس کتاب کشف الغمه فی معرفة الائمة عليهم السلام؛ علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۲ ق)؛
۱۰. گزارش واقعه عاشورا بر اساس کتاب الكامل البهائی فی السقیفه؛ عمادالدین طبری (زنده تا ۷۰۱ ق).

### کتاب‌های مرثی

در مطالعه و بررسی آثار مربوط به واقعه کربلا در این مقطع، گاه به آثاری برمی‌خوریم که اگرچه در آن‌ها به تاریخ عاشورا پرداخته نشده، اما از آن روکه مشتمل بر اشعاری در رثا و عزای امام حسین عليه السلام بوده و قدمت خاصی داشته و حتی برخی از نویسندگان آن‌ها مورد تمجید ائمه عليهم السلام قرار گرفته‌اند، به نام آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. المرثی؛ ابورمیح عمیر بن مالک خزاعی (متوفای حدود ۱۰۰ ق)؛<sup>۱</sup>

۲. کتاب المرثی؛ جعفر بن عفان طائی (م ۱۵۰ ق)؛

وی از مرثیه‌سرایان شیعه در عصر امام صادق عليه السلام است که به سبب اشعارش در رثای امام حسین عليه السلام و قرائت آن‌ها در محضر امام صادق عليه السلام، از سوی آن حضرت مورد تمجید قرار گرفت.<sup>۲</sup> به گزارش ابن ندیم کتاب مرثی وی، دو بیست برگ داشته است.<sup>۳</sup>

۳. مرثی الحسين عليه السلام؛ ابو عبدالله محمد بن زیاد اعرابی (م ۲۳۰ ق)؛

به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی، نسخه‌ای مخطوط از آن در کتابخانه خدیویه

۱. جواد شبر، ادب الطف او شعراء الحسين عليه السلام، ج ۱، ص ۵۹.

۲. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۷۴، ح ۵۰۸.

۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۷۵.

دارالکتب المصریه وجود دارد. این اثر، توسط یکی از پژوهشگران انگلیسی با یک مقدمه و ملاحظات چاپ شده است.<sup>۱</sup>

۴. مراثی الحسین علیه السلام؛ ابن حماد بن عمر بن کلیب مولی بنی عامر بن صعصعه؛ وی عصر بنی امیه و بنی عباس را درک کرده است.<sup>۲</sup>

۵. کتاب المراثی؛ محمد بن عمران مرزبانی خراسانی (م ۳۸۴ ق).  
این کتاب حدود پانصد برگ دارد.<sup>۳</sup>

بخش دوم: معرفی توصیفی مقاتل و نگاه‌سته‌های موجود درباره تاریخ عاشورا از آغاز (قرن دوم) تا قرن هفتم چنان که در آغاز این نوشتار گفته شد، برخی از آثار مربوط به تاریخ عاشورا از دستبرد حوادث زمان مصون مانده که در این بخش به اختصار به معرفی توصیفی و بیان ویژگی‌های آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام من ولده و إخوته و أهل بینه و شیعتہ؛ فضیل بن زبیر اسدی رَسَّان کوفی<sup>۴</sup>

فضیل بن زبیر در این اثر، نام افرادی را که همراه امام حسین علیه السلام شهید شده‌اند، آورده و در مواردی، نام قاتل یا قاتلان آنان را نیز بیان کرده است. وی ابتدا اسامی بیست تن از شهدای اهل بیت علیهم السلام را که در رأس آنان امام حسین علیه السلام قرار دارد، نام برده، سپس اسامی ۸۶ شهید از اصحاب را می‌شمرد و در مجموع، ۱۰۶ نام آورده است.<sup>۵</sup> وی در پایان، به اسارت اهل بیت علیهم السلام و برخی از سخنان آنان اشاره می‌کند. فضیل بن زبیر نقل‌های نادر و عجیبی هم دارد. برای مثال، او به رغم آن که به

۱. آقا بزرگ تهرانی، همان، ج ۲۰، ص ۲۹۳ و طباطبایی، همان، ص ۴۶۳.

۲. آقا بزرگ تهرانی، همان، ج ۲۰، ص ۲۹۳.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۱۴۶ - ۱۴۸ و محمد بن عمران مرزبانی خراسانی، الموشح، ص ۵.

۴. این اثر به همت محقق گرانمایه، سید محمدرضا حسینی جلالی از کتاب یاد شده فراهم، تحقیق و در شماره دوم از فصلنامه تراثنا، سال ۱۴۰۶ ق به چاپ رسیده است.

۵. البته در رساله یاد شده از ۱۰۷ نفر به عنوان شهید نام برده شده که ناشی از غلط چاپی است، چراکه نام زهیر بن قین از قلم افتاده است و دو قاتل او، شهید به حساب آمده است.

بیماری امام سجاد علیه السلام تصریح کرده، اما می‌گوید ایشان در برخی از میادین جنگ در کربلا حضور داشت!<sup>۱</sup> نویسنده هرچند از محدثان و اصحاب امام پنجم و ششم بوده، اما بنا به اعتقاد برخی رجالیان، زیدی مذهب و از اصحاب برجسته و از مبلغان زید بوده،<sup>۲</sup> با وجود این، ممدوح یا موثق، معرفی شده است. سال درگذشت وی معلوم نیست، اما باید در نیمه دوم قرن دوم باشد. دست‌رسی ما به این اثر، امروزه تنها از طریق کتاب‌های الامالی الخمیسیه نگاشته یحیی بن حسین (م ۴۷۹ق)<sup>۳</sup> و الحدائق الوردیه<sup>۴</sup> نگاشته حمید بن احمد بن محمد محلی (م ۶۵۲ق) امکان‌پذیر است.

۲. مقتل الحسين علیه السلام؛ ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی غامدی (م ۱۵۷ق)<sup>۵</sup>

ابومخنف لوط بن یحیی ازدی کوفی، دیگر مقتل نویس قرن دوم است که با تدوین کتاب مقتل الحسين علیه السلام نام خود را به عنوان مشهورترین و از قدیمی‌ترین مقتل نویسان در تاریخ ثبت کرد. وی هرچند در خانواده‌ای با پیشینه شیعی (به معنای تشیع سیاسی و دوست‌دار اهل بیت علیهم السلام) رشد و نمو کرده، اما تشیع خود او ثابت نشده است. نجاشی، رجالی شهیر شیعی، در اثر رجالی خود، از وی با عنوان «شیخ أصحاب الأخبار بالكوفة و وجههم؛ استاد و چهره بزرگ اصحاب اخبار در کوفه [و نه شیخ اصحابنا]» یاد می‌کند که بر تشیع وی دلالتی ندارد.<sup>۶</sup> برخی محققان، قرینه دیگری بر عدم تشیع او (به معنای تشیع اعتقادی) بیان کرده‌اند، و آن این‌که رجالیان

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. سعد بن عبد الله اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۷۱ و خوینی، معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۲۶۲.

۳. بیروت، عالم الکتب، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۳.

۴. حمید بن احمد بن محمد محلی، الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه، ج ۱، ص ۲۰۷ - ۲۱۲. البته محلی، برخی از مطالب مربوط به برخی از شهدا و گزارش پایانی صفحه آخر رساله را نیاورده است.

۵. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۴۱؛ محمد بن شاکر بن احمد کتبی (۷۶۴ق)،

فوات الوفيات، ج ۲، ص ۱۷۵ و ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۰۲.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۲۰.

غیر شیعی او را متهم به «رافضی بودن» نکرده‌اند؛ شیوه‌ای که معمولاً توسط ایشان درباره شیعیان اعتقادی به کار گرفته می‌شود.<sup>۱</sup> ابن ابی الحدید نیز به عدم تشیع او تصریح کرده است.<sup>۲</sup> برخی دیگر از رجالیان، معتقد به تشیع او هستند و اتهام تشیع به او توسط رجالیان اهل سنت را دلیل این امر دانسته‌اند.<sup>۳</sup> به هر حال، با صرف نظر از مذهب او، با توجه به مدح وی توسط نجاشی با جمله «و کان یسکن الی ما یرویه؛ آن چه نقل می‌کرد، مورد اعتماد و پذیرش بود»، وثاقت او قابل اثبات است.<sup>۴</sup>

ابومخنف، صاحب آثار متعددی بوده که غالب آن‌ها تک‌نگاری‌های مربوط به حوادث مهم قرن اول و دوم است. در میان این آثار، کتاب *مقتل الحسین (علیه السلام)* او به لحاظ ویژگی‌های ذیل، جایگاه خاصی یافته است:

اول: اهمیت موضوع، زیرا جریان کربلا، به‌ویژه نزد شیعیان، همواره در قیاس با دیگر حوادث، موقعیت خاصی داشته است.

دوم: نزدیکی بودن نویسنده و تألیف او به زمان حادثه، زیرا ابومخنف، روایات این کتاب را گاه از شاهدان عینی و گاه با یک یا دو واسطه نقل کرده که در مقایسه با مقاتل تدوین شده در ادوار بعدی، امتیازی ویژه است.

سوم: توجه مورخان بعدی، اعم از شیعه و سنی، به این اثر و نقل تمام یا غالب روایات آن، از جمله توسط شاگردش، هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق) و سپس محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق)، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) و سبط بن جوزی (م ۶۵۴ ق).

چهارم: جایگاه نویسنده که به تعبیر نجاشی، «شیخ اصحاب الأخبار بالکوفه» بوده و تک‌نگاری‌های تاریخی بسیاری داشته است.

اما این‌که ابومخنف در چه زمانی به نگارش این مقتل پرداخته، طبق برخی قراین او

۱. ر.ک: *وقعة الطف (مقتل ابی مخنف)*، با مقدمه و تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، ص ۱۹.

۲. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال*، ج ۲، شماره ۹۹۹۲.

۴. نجاشی، همان، ص ۳۲۰.

این مقتل را در دهه سوم قرن دوم نگاشته است، چنان که وی در خبر ورود مسلم بن عقیل به خانه مختار بن ابوعبیده ثقفی در کوفه می‌گوید که هم اکنون این خانه، خانه مسلم بن مسیب خوانده می‌شود<sup>۱</sup> و مسلم بن مسیب در سال ۱۲۸ق عامل یوسف بن عمر بر شیراز بوده است.<sup>۲</sup> یعقوبی در خصوص اوضاع سیاسی - اجتماعی این دوره می‌نویسد: پس از شهادت زید بن علی در سال ۱۲۱ق، شیعیان خراسان (یعنی عباسیان و علویانی که مخالف بنی‌امیه بودند) به جنب و جوش آمده و پیروان بسیاری را پیدا نموده، و ستم‌هایی که بر خاندان پیامبر ﷺ شده بود، برای مردم بازگو کردند و یکی از کارهایی که صورت گرفت، تدریس و مباحثه کتاب‌های ملاحم بود.<sup>۳</sup> البته مقصود از این نوع کتاب‌ها، کتاب‌هایی در موضوع جنگ‌ها و نبردهای مسلمانان بود که از مصادیق بارز آن، مقاتل و به ویژه مقتل امام حسین ﷺ به شمار می‌رفت. به نظر می‌رسد این همان زمانی است که ابومخنف شرایط را برای نگارش مقتل امام حسین ﷺ مناسب دیده و - چنان که برخی از محققان گفته‌اند - تشویق و ترغیب ابومخنف توسط برخی از داعیان عباسی که در پی ترویج مثالب و مفاسد و جنایات بنی‌امیه بوده‌اند و نیز ضعف و افول دولت بنی‌امیه که شرایط مناسبی را برای بیان ستم‌های آنان بر اهل بیت پیامبر ﷺ فراهم ساخته بود، سبب شده که او اقدام به جمع‌آوری اخبار واقعه عاشورا و نگارش این مقتل کند.<sup>۴</sup> بنابراین می‌توان گفت که مقتل ابومخنف تقریباً هم‌زمان با مقتل جابر بن یزید جعفری نگاشته شده است.

متأسفانه این مقتل به مرور زمان مفقود شده است و اگر گزارش‌هایی از آن در منابعی، هم چون تاریخ طبری، مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، الارشاد شیخ مفید و تذکرة الخواص سبط بن جوزی منعکس نمی‌شد، از این مقتل نیز امروزه

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۲۶۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۹.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۶.

۴. وقعة الطف، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، ص ۱۶.

هم چون بسیاری دیگر، جز نامی باقی نبود. البته دور نیست علت عمده از بین رفتن چنین مقتلی، اقدام هشام بن محمد، شاگرد ابومخنف در انعکاس تمام یا دست کم بیشتر اخبار مقتل استادش در کتاب مقتل الحسين علیه السلام خود باشد، زیرا ممکن است این امر، سبب فراموش شدن تدریجی مقتل ابومخنف نزد مورخان و مقتل نویسان قرون بعدی شده باشد.

نکته دیگر در این باره آن که تا حافظة تاریخ به خاطر دارد، هر امر و کار ارزش مندی، در طول زمان، دچار صدمات و آسیب هایی شده است. مقتل ابومخنف نیز به سبب اعتبار و قدمت آن، از این آسیب، مصون نمانده، از این رو از قرن ششم به بعد، برخی از اخبار و نوشته ها درباره حادثه عاشورا که از اعتبار چندانی برخوردار نبوده است و سازندگان آن ها خواسته اند به هر قیمتی به خوانندگان شان بقبولانند، به ابومخنف نسبت داده اند.<sup>۱</sup> و این امر تا بدان جا پیش رفته است که در قرن های اخیر به سبب فقدان اصل کتاب مقتل الحسين علیه السلام ابومخنف، کتابی با همان عنوان مقتل الحسين علیه السلام، به ابومخنف نسبت داده شده است که تفاوت های فاحشی بین آن و گزارش های ابومخنف در آثار فوق الذکر وجود دارد. افزون بر این، اثر یاد شده مشتمل بر اغلاط فاحشی است.<sup>۲</sup> زمان نگارش چنین مقتل جعلی و محرفی به درستی روشن نیست، اما برخی محققان، اثر یاد شده را ساخته و پرداخته عصر صفوی دانسته اند.<sup>۳</sup> این اثر گویا برای نخستین بار، در سال ۱۲۷۵ق به خط محمد رضا خوانساری در تهران به ضمیمه الملهوف و مهیج الاحزان چاپ سنگی شده است.<sup>۴</sup> هم چنین تا آن جا که

۱. برای نمونه می توان به دو گزارشی که ابن شهر آشوب درباره حوادث روز عاشورا، به نقل از ابومخنف و او نیز از فرد مجهولی به نام جلودی نقل کرده است (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۵ - ۶۶) اشاره کرد که ضمن عجیب بودن دو گزارش یاد شده، در تاریخ طبری و مقاتل الطالبیین و الارشاد شیخ مفید وجود ندارد.

۲. وقعة الطف، مقدمه، ص ۲۲ - ۲۹.

۳. سید علی میر شریفی، «ابومخنف و سرگذشت مقتل وی»، فصلنامه آینه پژوهش، ش ۲، ۱۳۶۹، ص

۳۴؛ سید حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۵.

۴. میر شریفی، همان، ص ۳۸ و سید حسن امین، همان، ج ۶، ص ۲۵۷.

آگاهی است، اثر یاد شده یک بار به اردو و دوبار به فارسی ترجمه شده است، یکی در سال ۱۳۳۲ به قلم محمد طاهر بن محمد باقر موسوی دزفولی و همراه کتاب اخذ الثارفی احوال المختار - که این اثر نیز منسوب به ابومخنف است - در ۲۴۰ صفحه و بار دوم در سال ۱۴۰۵ ق با عنوان به ضمیمه کتاب اخذ الثارفی احوال المختار در ۳۱۷ صفحه.<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر، اقداماتی در جهت بازسازی آثار ابومخنف صورت گرفته است که از جمله می‌توان به احیای مقتل وی توسط یکی از محققان معاصر با عنوان وقعة الطف بر اساس گزارش‌های موجود از مقتل الحسين علیه السلام ابومخنف در کتاب‌های یاد شده، اشاره کرد.<sup>۲</sup>

نکته دیگر آن‌که بر اساس گزارش برخی محققان معاصر، چهار نسخه خطی از مقتل الحسين علیه السلام در کتابخانه «گوته» (شماره ۱۸۳۶)، «برلین» (شماره ۱۵۹ - ۱۶۰)، «لیدن» (شماره ۷۹۲) و «سنت پترزبورگ» (شماره ۷۸) موجود است که هرچند برخی از مستشرقان در انتساب این نسخه‌ها به ابومخنف، تردید کرده‌اند، اما در این که این نسخه‌ها از قدمت خاصی برخوردار است، هیچ کس تردید نکرده است.<sup>۳</sup> هم‌چنین بنا بر گزارش محقق دیگری، میکرو فیلم نسخه خطی دیگری به نام مقتل الحسين ابومخنف در کتابخانه امبروزیانای شهر میلان ایتالیا به شماره ۲۳۳ موجود است<sup>۴</sup> که احراز قدمت آن، نیاز به بررسی دارد.

۳. مقتل الحسين علیه السلام؛ هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۵۲۰۴ یا ۲۰۶ ق ۴)

۱. میرشریفی، همان، ص ۳۶ و سید حسن امین، همان، ج ۶، ص ۲۵۶.
۲. این مقتل به همت محقق محترم، استاد محمدهادی یوسفی غروی از منابع اولیه جمع‌آوری و تحقیق شده و توسط مرکز انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین چاپ شده است. هم‌چنین چاپ جدید آن با اضافات و اصلاحات در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام منتشر شده است.
۳. محمد مهدی جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۵۴-۲۵۵.
۴. شمس الدین محمد بن طولون، الائمة الاثنا عشر، ص ۱۳۸.
۵. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۲۷؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۰۵ و ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۷.
۶. ابن ندیم، همان، ص ۱۰۸ و ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۸، ص ۳۴۳.



چنان که اشاره شد، هشام بن محمد بن سائب کلبی یکی از شاگردان ابومخنف، مورّخی شهیر و مورد عنایت شیعه و اهل سنت و از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است. ضمن آثار وی، نام کتاب *مقتل الحسین علیه السلام* به چشم می خورد که بیشتر اخبار آن، همان روایات استادش است،<sup>۱</sup> اما از آن جا که امروزه اثری از مقتل وی نیست، نمی توان به درستی درباره میزان بهره گیری وی از اخبار ابومخنف، داوری کرد. البته گزارش های او از ابومخنف و برخی دیگر، بعدها در آثاری هم چون تاریخ طبری، *مقاتل الطالبین و الارشاد* شیخ مفید و *تذکرة الخواص* سبط بن جوزی آمده است. از آن جا که درگذشت هشام در اوایل قرن سوم و در نتیجه، بخش عمده زندگی اش در قرن دوم بوده، می توان اثر وی را نیز از مقاتل قرن دوم به شمار آورد.

۴. ترجمه الامام الحسین علیه السلام و مقتله (من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الكبرى)؛ محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)

محمد بن سعد گزارش مهمی را ذیل شرح حال امام حسین علیه السلام در کتاب *الطبقات* خود آورده است که چون چاپ نخستین آن به اهتمام برخی از خاورشناسان در لیدن از سال ۱۹۰۴ - ۱۹۱۷ م بر اساس نسخه ناقصی چاپ شده، بخش زیادی از ترجمه و شرح حال ها، از جمله ترجمه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام چاپ نشده است. اما در چاپ بعدی، موارد چاپ نشده، از جمله شرح حال حسنین علیه السلام ضمن سه مجلد مستقل، چاپ شده است. هم چنین دو دهه پیش، سید عبدالعزیز طباطبایی ترجمه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را بر اساس نسخه ای که از قرن هفتم در ترکیه نگه داری می شود، تحقیق کرده و آن را به چاپ رسانده است. بعدها همین بخش چاپ نشده (که ترجمه حسنین علیه السلام را نیز در برداشت) با تصحیح محمد بن صامل سلمی با عنوان *الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة من الصحابة* در دو جزء چاپ شده<sup>۲</sup> که جلد اول آن، از صفحه ۳۶۹ - ۵۱۹ درباره امام حسین علیه السلام است. البته بیش از نیمی از صفحات یاد شده، حواشی مصحح کتاب است.

۱. نجاشی، همان، ص ۴۳۵.

۲. چاپ اول، طائف، مکتبة الصدیق، ۱۴۱۴ ق.

ترجمه الامام الحسین و مقتله، از دو بخش تشکیل شده است، بخش نخست آن درباره نسب، تولد و ویژگی‌ها و فضایل و مناقب حضرت است و در بخش دوم، گزارش حادثه عاشورا از آغاز تا پایان حادثه، از جمله شهادت حضرت آمده است. روش تاریخ‌نگاری ابن سعد، حدیثی است از این رو او گزارش‌ها را به صورت مسند نقل کرده و در بخش نخست، نود حدیث نقل کرده است. اما در بخش مقتل، نزدیک به پنجاه خبر نقل کرده که البته سند هر یک از آن‌ها، بیان نشده، بلکه تنها به چند سند کلی که در آغاز مقتل آمده، اکتفا شده است.

هم‌چنین ابن سعد، اخباری درباره برخی حوادث و علائم غیر طبیعی و خارق العاده آسمانی و زمینی و نیز عقوبت‌ها و بلاهایی که بر سر برخی از قاتلان سپاه عمر سعد پس از حادثه عاشورا آمده، آورده است.

اگرچه روش ابن سعد در نگارش طبقات خود، آن است که به حوادث و تحولات مهم تاریخی که هم زمان با زندگی اشخاص است، نپردازد، اما عظمت حادثه عاشورا، ابن سعد را واداشته است که تا به این واقعه و رهبر آن، بیشتر بپردازد. با این همه، وی در مواردی تنها به گردآوری و نقل گزارش‌ها اکتفا کرده و درباره درستی یا نادرستی آن‌ها، هیچ نظری نداده است. برای نمونه، وی بر اخبار مربوط به تبرئه یزید از خون شهدای کربلا و مقصر بودن ابن زیاد تأکید کرده است.

#### ۵. انساب الاشراف؛ احمد بن یحیی جابر بلاذری (م ۲۷۹ ق)

بلاذری، مورخ، ادیب و نسب شناس عصر مأمون تا مستعین عباسی است. وی در کتاب حجیم خود به نسب و شرح حال خاندان بزرگ و برجسته عرب قرشی پرداخته است. او بخشی از کتاب خود را به نسب و شرح حال خاندان ابوطالب و فرزندان و امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان، از جمله زندگانی امام حسین علیه السلام و مقتل وی پرداخته است. بخش مربوط به طالبیان این اثر با تحقیق محقق برجسته، محمدباقر محمودی در سال ۱۳۹۷ ق در بیروت چاپ شده و در سال‌های اخیر در مجموعه سیزده جلدی با نام *جمل من انساب الاشراف* تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ شده است. آنچه مربوط به زندگی امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا است، از

صفحه ۱۴۲ - ۲۲۸ در جلد دوم<sup>۱</sup> چاپ دو جلدی انساب الاشراف با تحقیق محمودی و از صفحه ۳۵۸ - ۴۲۵ در جلد سوم مجموعه سیزده جلدی است. بلاذری پس از چند گزارش درباره تولد و فرزندان امام حسین علیه السلام به شرح واقعه کربلا پرداخته است و نخستین گزارش های خود را در این باره، از تماس شیعیان با امام حسین علیه السلام از زمان صلح امام حسن علیه السلام آغاز کرده است. روش تاریخ نگاری بلاذری در این کتاب همانند یعقوبی و دینوری، ترکیبی است. از این رو به جای آن که برای هر خبر، سند مستقل ذکر کنند، در بیشتر موارد، تنها با تعبیر «قالوا»، خبر را آورده است. در مواردی هم به سند اشاره کرده است، از جمله از ابومخنف،<sup>۲</sup> هشام کلبی،<sup>۳</sup> عوانه بن حکم،<sup>۴</sup> هیثم بن عدی،<sup>۵</sup> عتبی<sup>۶</sup> و عمر بن شَبَّه<sup>۷</sup> نقل کرده است و در مواردی نیز تعبیر «حدثنی بعض الطالبین»<sup>۸</sup> و «حدثنی بعض قریش»<sup>۹</sup> را آورده است. انساب الاشراف یکی از منابع تاریخ عاشورا است و با گزارش های ابومخنف و ابن سعد - به رغم برخی تفاوت ها - هم سو و سازگار و مؤید یک دیگر است.

#### ۶. الأخبار الطوال؛ ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (م ۲۸۲ ق)

ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، مورخ، منجم، ریاضی دان، نحوی، لغت شناس و گیاه شناس قرن سوم است.<sup>۱۰</sup> وی آثار بسیاری در علوم مختلف داشته است، اما آنچه از وی به دست ما رسیده، دو اثر الأنواء و الأخبار الطوال است. از آن جا که

۱. البته به یک اعتبار باید جلد دوم را جلد سوم حساب کرد، از این رو که یک جلد نیز با تحقیق آقای محمودی در سیره نبوی چاپ شده است.

۲. همان، تحقیق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۳۶۸ و ۴۱۲.

۳. همان، ص ۴۰۹.

۴. همان، ص ۴۱۷.

۵. همان، ص ۴۱۵.

۶. همان، ص ۳۶۸.

۷. همان، ص ۴۱۳-۴۱۴، ۴۱۶ و ۴۲۴.

۸. همان، ص ۴۱۱.

۹. همان، ص ۳۷۱.

۱۰. ابن ندیم، الفهرست، ص ۸۶.

وی ایرانی و زادگاهش در منطقه کرمانشاه بوده، به تاریخ ایران عنایت ویژه داشته و تاریخ ایران پیش و پس از اسلام را در قالب کتاب *الأخبار الطوال* نگاشته است. دینوری از سیره نبوی و خلافت شیخین سخنی به میان نیاورده است. وی از مجموع چهارصد صفحه کتاب، بیش از سی صفحه (یعنی حدود یک دهم کتاب) را به اخبار عاشورا اختصاص داده است.<sup>۱</sup> سبک تاریخ نگاری دینوری، همانند سبک مورخانی، هم چون یعقوبی و مسعودی به صورت ترکیبی و با حذف اسناد است. او هر بخش از گزارش را با تعبیر «قالوا» آغاز کرده<sup>۲</sup> و تنها گزارش پشیمانی عمر سعد را به نقل از حمید بن مسلم - دوست عمر سعد - نقل کرده است.<sup>۳</sup> اگرچه بسیاری از مضامین گزارش های دینوری در منابع کهن دیگر آمده، اما تعبیر وی در این باره، ویژه خود اوست و در منابع دیگر نیامده است. یکی از گزارش های جالب دینوری که حاکی از ویژگی و رفتار دینی و اخلاقی شیعیان است، گزارش چگونگی دست یابی معقل، جاسوس ابن زیاد بر مکان اختفای مسلم بن عقیل است. وی نگاشته است که چون معقل وارد مسجد کوفه شد، نمی دانست، سراغ چه کسی برود که ناگاه دید مردی در گوشه ای مشغول عبادت است، با خود گفت: شیعیان نماز زیاد می خوانند، از این رو نزد آن مرد - که نامش مسلم بن عوسجه بود - رفت و خواست خود را مطرح کرد.<sup>۴</sup> هم چنین او می نویسد که بین قتل امام حسین علیه السلام و رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پنجاه سال فاصله است و با این تعبیر، احساس و تعجب خود را از وقوع چنین حادثه ای با این فاصله زمانی اندک، بیان می دارد.<sup>۵</sup>

#### ۷. تاریخ یعقوبی؛ ابن واضح یعقوبی (م ۲۹۲ ق)

درباره یعقوبی، مورخ و جغرافی دان شهیر شیعی و صاحب تاریخ یعقوبی،

۱. ابوحنیفه دینوری، *الأخبار الطوال*، ص ۲۲۷-۲۶۲.

۲. همان، ص ۲۲۹، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۹ - ۲۶۰ و ۲۶۲.

۳. همان، ص ۲۶۰.

۴. همان، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۲۵۹.

شایان ذکر است که وی در تاریخ خود برخلاف انتظار، بیش از چهار صفحه درباره حادثه کربلا سخن نگفته است<sup>۱</sup> که به نظر می‌رسد رعایت ایجاز و اختصار از سوی نویسنده، در این امر نیز مؤثر بوده است. برخی معاصران، نگاشته مستقلی در تاریخ عاشورا به نام *مقتل ابی عبدالله الحسین*<sup>۲</sup> یا *مقتل الحسین*<sup>۳</sup> از آثار وی شمرده‌اند، اما با مراجعه و بررسی منابع کهن درباره آثار وی، چنین نوشته‌ای، در فهرست آثار وی دیده نشد.

### نتیجه

افزون بر آنچه برخی از مورخان در خصوص حادثه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش اثری با عنوان «مقتل الحسین علیه السلام» و مشابه آن داشته‌اند، برخی از تواریخ و تراجم عمومی که در حد قابل توجهی به این واقعه بزرگ پرداخته‌اند، موضوع این پژوهش است. نکته دیگر آن که به سبب اعتبار منابع مربوط به واقعه عاشورا تا قرن هفتم، تا آنجایی که نگارنده بررسی و تفحص کرده، تمام منابعی که به واقعه عاشورا تا مقطع یاد شده در حد چشم‌گیری پرداخته‌اند، در این پژوهش، ابتدا به صورت فهرست‌وار آورده شد و در ادامه، تمام منابع به جای مانده تا قرن هفتم، معرفی تفصیلی شده‌اند.

### کتاب‌نامه

۱. آقا بزرگ تهرانی، محسن بن علی بن محمد رضا، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الکتب العربی، [بی تا].

۱. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۳ - ۲۴۶.

۲. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۳.

۳. طباطبایی، اهل البیت فی المکتبۃ العربییه، ص ۵۳۷.

۴. ابن اعثم کوفی، کتاب الفتح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن بابویه رازی، منتخب الدین علی، الفهرست، تقدیم و تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی بن محمد، کتاب الرد علی المتعصب العنید، تحقیق محمد کاظم محمودی، [بی جا، بی نا]، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن حمزه طوسی، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضوان، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۱ق.
۹. ابن زبیر اسدی کوفی، فضیل، تسمیه من قتل مع الحسین من ولده و اخوته و اهل بینه و شیعته، تحقیق سیدمحمدرضا حسینی جلالی، فصلنامه تراثنا، شماره ۲، ۱۴۰۶ق.
۱۰. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری (الطبقة الخامسة من الصحابة)، تصحیح محمد بن صامل سلمی، چاپ اول: طائف، مکتبه الصدیق، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ابن سعد، محمد، ترجمه الامام الحسین و مقتله، تحقیق سیدعبدالعزیز طباطبائی، قم، مؤسسه اهل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
۱۲. ابن سلیمان کوفی، محمد، مناقب الإمام أميرالمؤمنين علی بن ابی طالب عليه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع إحياء الثقافة الاسلاميه، ۱۴۱۲ق.
۱۳. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، معالم العلماء، با مقدمه سید محمد صادق آل بحر العلوم، [بی جا، بی نا، بی تا].
۱۴. \_\_\_\_\_، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف بقاعی، [بی جا]، انتشارات ذوالقربی - افست دار الاضواء، ۱۳۷۹.
۱۵. ابن طولون، شمس الدین محمد، الائمة الاثنا عشر، تحقیق صلاح الدین منجد، قم، انتشارات شریف رضی، [بی تا].
۱۶. ابن عبد ربہ اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۱۷. ابن عساکر دمشق، ابوالقاسم، علی بن حسن بن هبة الله، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۸. ابن عساکر دمشق، ترجمه ریحانه رسول الله الامام الحسین عليه السلام (من تاریخ مدینه دمشق)، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع إحياء الثقافة الاسلاميه، ۱۴۱۴ق.
۱۹. ابن عماد حنبلی دمشق، شهاب الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر و محمود ارتنوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۲۰. ابن ماکولا، ابوعلی حسن بن علی بن جعفر، الإكمال فی رفع الارتیاب عن المؤتلف و المختلف فی الاسماء و الکنی و الانساب، قاهره، دار الکتب الاسلامی، [بی تا].

۲۱. ابن مطهر حلّی، ابومنصور حسن بن یوسف، ایضاح الاشتباه، تحقیق محمد حسّون، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. ابن منده، ابو عبدالله اصفهانی، جزء ترجمه الطبرانی، [بی جا، بی نا، بی تا].
۲۳. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق، کتاب الفهرست، تحقیق رضا تجدد، [بی جا، بی نا، بی تا].
۲۴. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، [بی تا].
۲۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد، مقاتل الطالبیین، با مقدمه کاظم مظفر، قم، مؤسسه دار الکتاب، ۱۳۸۵ ق.
۲۶. ازدی غامدی کوفی، ابومخنف لوط بن یحیی، وقعة الطف، تقدیم و تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق و قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۲۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمد جواد مشکور، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۹۶۳ م.
۲۸. امین، سید حسن، مستدرکات أعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۰. \_\_\_\_\_، هدیه العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۱ م.
۳۱. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، ج ۳، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ ق.
۳۲. \_\_\_\_\_، کتاب جمل من انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. بلعمی، ابوعلی محمد، تاریخ نامه طبری، به کوشش محمد سرور مولایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۷.
۳۴. بلعمی، ابوعلی محمد، تاریخ نامه طبری، تصحیح محمد روشن، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۷۷.
۳۵. تمیمی، محمد بن احمد بن تمیم، کتاب المحن، تحقیق یحیی وهیب جبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۳۶. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفویان، چاپ اول: قم، انصاریان، ۱۳۸۵.
۳۷. جعفری، محمد مهدی، تشیع در مسیر تاریخ، چاپ سیزدهم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۸. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله قسطنطنی حنفی، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۹. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۴۰. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدنیة الاسلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

۴۲. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، مقتل الحسين عليه السلام، تحقيق محمد سماوى، قم، دار انوار الهدى، ۱۴۱۸ ق.
۴۳. خویى، سيدابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، تحقيق لجنة التحقيق، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴۵. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الإخبار الطوال، تحقيق عبدالعالم منعم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م.
۴۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، تذكرة الحفاظ، [بی جا]، مكتبة الحرم المکی، [بی تا].
۴۷. \_\_\_\_\_، سیر أعلام النبلاء، تحقيق جمعی از محققان، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. \_\_\_\_\_، میزان الاعتدال، تحقيق على محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ ق.
۴۹. رفاعى، عبدالجبار، معجم ما كتب عن الرسول صلى الله عليه وآله و اهل البيت عليهم السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۷۱.
۵۰. سبط بن جوزى، يوسف بن قزلى بغدادى، تذكرة الخواص من الامة بذكر خصائص الأئمة، تحقيق حسين تقى زاده، [بی جا]، مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمى لاهل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۶ ق.
۵۱. سمعانى، ابوسعید عبدالکريم بن محمد، الانساب، تقديم و تعليق عبدالله عمر بارودى، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
۵۲. سيد بن طاووس، رضى الدين ابو القاسم على بن موسى بن جعفر، الملهوف على قتلى الطفوف، تحقيق فارس تبريزيان (حسنون)، [بی جا]، دار الاسوه، ۱۳۸۳.
۵۳. شُبْر، جواد، ادب الطّف أو شعراء الحسين عليه السلام، بیروت، دار المرتضى، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، الأمالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۵۵. \_\_\_\_\_، الخصال، تصحيح على اكبر غفارى، قم، منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلميه، ۱۳۶۲.
۵۶. \_\_\_\_\_، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، انتشارات شريف رضى، ۱۳۶۸.
۵۷. \_\_\_\_\_، من لا يحضره الفقيه، تصحيح على اكبر غفارى، قم، منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلميه، ۱۴۰۴ ق.
۵۸. طباطبايى، سيد عبدالعزيز، اهل البيت عليهم السلام فى المكتبة العربيه، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۵۹. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، تاريخ الرسل و الامم و الملوك، بیروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۶۰. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال (معروف به رجال الكشى)، تحقيق حسن مصطفى، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۶۱. \_\_\_\_\_، الفهرست، تحقيق جواد قیومى، [بی جا]، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.



۶۲. کاشفی، کمال‌الدین حسین بن علی، روضة الشهداء، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱ و تهران، اسلامیه، ۱۳۴۱.
۶۳. کتبی، محمد بن شاکر بن احمد، فوات الوفيات، [بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا].
۶۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، تهران، انتشارات جهان، [بی‌تا].
۶۵. مُحَلّی، حمید بن احمد بن محمد، الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه، تحقیق مرتضی بن زید محظوری حسنی، چاپ اول: صنعاء، مکتبه بدر، ۱۴۲۳ق.
۶۶. محمودی، محمدباقر، عبرات المصطفین، قم، مجمع إحياء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
۶۷. مرزبانی خراسانی، محمد بن عمران، الموشح، مصر، دار النهضه، [بی‌تا].
۶۸. مِرْزَی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، [بی‌جا]، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ق.
۶۹. \_\_\_\_\_، قیام امام حسین علیه السلام، برگزیده از کتاب الفتوح، تصحیح غلام رضا مجد طباطبایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۷۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۷۱. مقتل الحسين علیه السلام به روایت شیخ صدوق (امام حسین علیه السلام و عاشورا از زبان معصومان علیهم السلام)؛ تحقیق و ترجمه محمد صحتی سردودی، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۱.
۷۲. میر شریفی، سید علی، «ابومخنف و سرگذشت مقتل وی»، فصلنامه آینه پژوهش، ش ۲، ۱۳۶۹.
۷۳. نامعلوم، مقتل الحسين علیه السلام، تحقیق رسول جعفریان، فصلنامه تراثنا، شماره ۶۸، ۱۴۲۲ق.
۷۴. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه مشهور به رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.